



University of Tehran Press

A critical assessment of the American justification for the assassination of general Soleimani from the perspective of the law of use of force

Abdolhosein Safaee¹ | Mohammad Aghayan Hoseini²

1. Assistant Prof. of Law Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Safaee.1385@gmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof. of Law Department, Bandarabbas Branch, Islamic Azad University, Bandarabbas, Iran. Email: Aghayanhoseini@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 1-26</p> <hr/> <p>Received: 2023/02/25</p> <p>Received in Revised form: 2024/08/04</p> <p>Accepted: 2024/09/15</p> <p>Published online: ---/--/--</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Use of force, General Qassem Soleimani, Self-Defense, Doctrine of accumulation of events.</i></p>	<p>Abstract: On the morning of January 3, 2020, General Qassem Soleimani and his companions were targeted by a US drone near Baghdad airport and were martyred. In their first comments, the president and some other officials of the US declared the aforementioned action as Anticipatory Self-defense against an imminent attack, but in its letter to the Security Council, the American government declared the intended action as a Self-defense against an armed campaign and a series of real attacks by Iran-affiliated forces during the last months of 2019. The attacks that were carried out by the American authorities on behalf of the Islamic Republic of Iran and under the leadership of General Soleimani against bases, diplomatic places and American forces. This letter can be considered the official position of the United States. In this regard, some jurists found the American government's justification acceptable by resorting to the doctrine of "accumulation of events". The current research has evaluated the official justification of the US by using the analytical descriptive method and concluded that this claim and the arguments of the lawyers who defend it lack international legal validity and it is dangerous interpretation of the right of Self-defense in international law.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Safaee, Abdolhosein; Aghayan Hoseini, Mohammad (2024). A critical assessment of the American justification for the assassination of general Soleimani from the perspective of the law of use of force. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, -- (--), 1-26. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.351958.3239</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2024.351958.3239</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press.</p>





ارزیابی انتقادی توجیه آمریکا برای ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق توسل به زور

عبدالحسین صفائی^۱ | محمد آقایان حسینی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Safaei.1385@gmail.com

۲. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. رایانامه: Aghayanhoseini@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱-۲۶</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ---/--/---</p> <p>کلیدواژه‌ها: توسل به زور، سردار قاسم سلیمانی، دفاع مشروع، دکترین انباشت رویدادها.</p>	<p>بامداد سوم ژانویه ۲۰۲۰ سردار قاسم سلیمانی و همراهانشان در نزدیکی فرودگاه بغداد هدف حمله پهپادی ایالات متحده آمریکا قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و برخی دیگر از مقامات آمریکا در اولین اظهارنظرهای خود، اقدام فوق را دفاع مشروع پیشدستانه در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع اعلام کردند، اما دولت آمریکا چند روز بعد در نامه‌ای به شورای امنیت، اقدام موردنظر را دفاع مشروع در مقابل یک کارزار مسلحانه و رشته‌ای از حملات واقعی نیروهای وابسته به ایران طی ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ اعلام کرد؛ حملاتی که به ادعای مقامات آمریکایی به نیابت از جمهوری اسلامی ایران و به راهبری سردار سلیمانی علیه پایگاه‌ها، اماکن دیپلماتیک و نیروهای آمریکایی اجرا شده بود. این نامه را می‌توان موضع رسمی آمریکا تلقی کرد. در این زمینه برخی حقوقدانان با توسل به دکترین «انباشت رویدادها»، توجیه دولت آمریکا را قابل قبول دانستند. پژوهش حاضر با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی و از طریق تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای، شواهد و اسناد موجود، توجیه رسمی آمریکا را ارزیابی می‌کند و بر آن است که این مدعا و استدلال‌های حقوقدانان مدافع آن، فاقد وجاهت حقوقی بین‌المللی بوده و شیوه تفسیری خطرناکی از حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل است.</p>
استناد	صفائی، عبدالحسین؛ آقایان حسینی، محمد (۱۴۰۳). ارزیابی انتقادی توجیه آمریکا برای ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق توسل به زور. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، --(۱)، ۱-۲۶.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2024.351958.3239 10.22059/jplsq.2024.351958.3239
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حمله سوم ژانویه ۲۰۲۰ در نزدیکی فرودگاه بین‌المللی بغداد که به شهادت سردار قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه و ابومهدی المهندس جانشین فرمانده نیروهای حشدالشعبی عراق و همراهان ایشان انجامید (از این پس، حمله سوم ژانویه) را بی‌شک می‌توان یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی ابتدای قرن حاضر دانست. سردار سلیمانی در حالی مورد حمله موشکی قرار گرفت که با استفاده از هواپیمای کشوری و با دعوت عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر وقت عراق با هدف تلاش برای کاهش تنش میان ایران و عربستان سعودی به این کشور سفر کرده بود.^۱ «قتل هدفمند^۲ سردار سلیمانی نخستین مورد شناخته‌شده‌ای است که طی آن، دولتی به بهانه دفاع از خود، یک مقام نظامی خارجی را در قلمرو کشور دیگری هدف قرار می‌دهد» (A/HRC/44/38, 2020: 15).

پس از این حمله، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده که حمله به دستور مستقیم وی صورت گرفته بود^۳، مایک پمپئو وزیر امور خارجه و رابرت سی اوبراین، مشاور امنیت ملی وقت این کشور برای توجیه حقوقی و مشروعیت بخشی این اقدام، بلافاصله و مؤکداً به نقش سردار سلیمانی در برنامه‌ریزی «حمله قریب‌الوقوعی»^۴ به منافع این کشور اشاره و حمله به وی و همراهانشان را «دفاع مشروع» معرفی کردند.^۵ «دفاع مشروع پیشدستانه^۶ در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع مسلحانه»، به‌عنوان یک «رویه متعاقب»^۷ و مستند به ماده ۵۱ منشور ملل متحد، اساساً با این شرط در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش است^۸ که شواهد و قرائن

1. <https://www.independent.co.uk/voices/qassem-soleimani-death-iran-baghdad-middle-east-iraq-saudi-arabia-a9272901.html>

2. Targeted Killing

3. <https://www.defense.gov/Newsroom/Releases/Release/Article/2049534/statement-by-the-department-of-defense/>

4. Imminent Attack

5. <https://www.reuters.com/article/us-iraq-security-blast-intelligence/trump-says-soleimani-plotted-imminent-attacks-but-critics-question-just-how-soon-idUSKBN1Z228N>

& https://www.washingtonpost.com/world/iran-strike-live-updates/2020/01/03/3779f55c-2e33-11ea-bcb3-ac6482c4a92f_story.html & <https://edition.cnn.com/2020/01/03/politics/mike-pompeo-iran-soleimani-strike-cnn/index.html>

۶ دفاع مشروع پیشدستانه (Pre-emptive Self-Defense) به وضعیتی گفته می‌شود که کشور مورد تهدید، به استناد سوابق و یا قرائن روشن از احتمال قریب‌الوقوع توسل یک دولت و یا عامل غیردولتی به تجاوز نظامی، با توسل به زور، از این اقدام پیشگیری کند.

7. Subsequent Practice

۸ «رویه بعدی دولت‌های عضو ملل متحد بر مفاد ماده ۵۱ تأثیر گذاشته و آن را به‌نحوی اصلاح کرده که امروزه توسل به زور به‌عنوان واکنشی در برابر یک حمله قریب‌الوقوع و حتمی... همانند دفاع مشروع سنتی از حقوق ذاتی دولت‌ها برای دفاع از خود محسوب شده و برای مشروعیت حقوقی نیازی به مجوز شورای امنیت نداشته باشد» (ممتاز و صابری، ۱۳۹۱: ۱۹۶).

عینی^۱ بر «قطعی» بودن چنان حمله‌ای دلالت کند. تنها در چنین وضعیتی «دفاع مشروع پیشدستانه» به لحاظ حقوقی قابلیت طرح دارد.^۲ بر این اساس، رسانه‌ها، سیاستمداران، حقوقدانان و حتی افکار عمومی جهان خواستار ارائه مستندات و شواهد قابل قبول از دولت آمریکا شدند، به نحوی که به صورت عینی نشان دهد، حمله‌ای قریب‌الوقوع و حتمی علیه نیروها و یا پایگاه‌های آمریکایی در زمان حمله سوم ژانویه در جریان بوده و سردار سلیمانی در آن نقش اساسی داشته است. از این رو عدم پاسخ مقامات آمریکایی به مطالبه مذکور، ادعای وجود یک حمله قریب‌الوقوع و حتمی در این خصوص را مورد تردید جدی قرار داد؛ چنانکه در گزارش «اگنس کالامار»^۳ گزارشگر ویژه اعدام‌های فراقانونی، اختصاری و خودسرانه ملل متحد به شورای حقوق بشر سازمان ملل، به تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۹۹ آمده است: «حمله سوم ژانویه نقض ماده (۴) منشور ملل متحد، با عدم ارائه شواهد کافی مبنی بر یک حمله قریب‌الوقوع و یا در حال انجام همراه است» (A/HRC/44/38, 2020: 15). عدم ارائه شواهد متقن مبنی بر وجود حمله قریب‌الوقوع و حتمی، ادعای دفاع مشروع پیشدستانه توسط ایالات متحده را مخدوش کرد، از این رو دولت آمریکا پنج روز پس از حمله، رویکرد توجیهی دیگری در این خصوص اتخاذ کرد و طی نامه رسمی خود به شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام مذکور را نه دفاعی پیشدستانه در برابر یک حمله قریب‌الوقوع، بلکه دفاع مشروعی در برابر رشته‌ای از حملات از پیش انجام‌شده، طی ماه‌های منتهی به حمله سوم ژانویه و در واقع دفاعی در برابر حملات اتفاق افتاده در گذشته معرفی کرد.^۴

نکته مهم در این خصوص آن است که اغلب مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های حقوقی درباره این حمله، به بررسی مدعای اولیه دولت آمریکا محدود مانده و تغییر بعدی رویکرد توجیهی این کشور، کمتر مورد توجه و بررسی حقوقدانان جهان و حتی ایران قرار گرفته است. درحالی‌که این تغییر رویکرد، وضعیت حقوقی حمله را از حیث حقوق توسل به زور، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حقوق بین‌المللی بشر و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا تغییر می‌دهد. از این رو جهات مواجهه حقوقی با این موضوع طبعاً برای دولت‌های ایران و عراق نیز دگرگون می‌شود. بدین لحاظ پژوهش حاضر بر آن است که با استفاده

۱. ارزیابی عینی در حقوق بین‌الملل به معنای آن است که هر ناظر بی‌طرفی، موضوع را به همان صورت که ادعا می‌شود، ارزیابی کند.

۲. ایالات متحده آمریکا در حمله به افغانستان به ادعای پیشدستی در مقابل یک حمله مسلحانه قریب‌الوقوع دیگر توسط طالبان، به قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت ملل متحد استناد کرد که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ صادر شده و ضمن محکومیت شدید حملات مذکور و ابراز همدردی با بازماندگان و خانواده‌های قربانیان، بر حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی دولت قربانی تأکید می‌کرد. جز ایران و عراق هیچ کشوری مشروعیت حمله آمریکا به افغانستان را به چالش نکشید (Cassese, 2005: 474).

3. Agnès Callamard

4. Letter dated 8 January 2020 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc S/2020/20, 9 January 2020.

از روش تحقیقی حقوقی، منابع کتابخانه‌ای اعم از اسناد، مدارک و دیگر داده‌ها و اطلاعات را بررسی و وجاهت حقوقی توجیه دوم ایالات متحده آمریکا از حمله سوم ژانویه را به شیوه توصیفی-تحلیلی ارزیابی کند. این نوشتار در بخش دوم چرایی و چگونگی تغییر در توجیه ایالات متحده آمریکا از حمله سوم ژانویه را بررسی کرده و در بخش‌های سوم و چهارم گستره و شدت حملات مورد ادعای آمریکا علیه مواضع این کشور و امکان انتساب آن حملات به ایران به منظور ارزیابی حقوقی استناد آمریکا به دفاع مشروع در مقابل آن حملات را مورد مذاقه و تتبع قرار داده است. در بخش پنجم حمله سوم ژانویه از حیث انطباق با شرایط دفاع مشروع بررسی شده و در نهایت در بخش نتیجه‌گیری ابعاد ناسازگاری توجیه رسمی آمریکا با موازین حقوق بین‌الملل استنتاج شده و تناقض‌های آن مورد اشاره قرار گرفته است.

۲. تغییر توجیه حقوقی با تکیه بر روایت رویدادها

وزیر امور خارجه مایک پمپئو در مصاحبه با شبکه‌های خبری همچون سی ان ان^۱ و ان بی سی^۲ بر قریب‌الوقوع بودن حمله‌ای که توسط سردار سلیمانی برنامه‌ریزی شده بود تأکید کرد، اما در مواجهه با سوالات بعدی، از ارائه شواهد و مدارکی که چنین حمله‌ای را نشان دهد، خودداری ورزید. همچنین کارشناسان وزارت امور خارجه آمریکا در نشست تخصصی حمله سوم ژانویه مدعی وجود حمله قریب‌الوقوعی تحت برنامه‌ریزی سردار سلیمانی شدند، اما هیچ سند یا مدرکی برای آن ارائه نکردند.^۳ به نظر می‌رسد مقامات آمریکایی در شرایطی که حتی شماری از اعضای کنگره این کشور با استناد به برخی اسناد و شواهد محرمانه، ادعاهای دولت این کشور در خصوص نقش سردار سلیمانی در طراحی حمله‌ای قریب‌الوقوع و به خطر افتادن جان آمریکایی‌ها را انکار می‌کردند^۴، نتوانستند شواهد قانع‌کننده‌ای در خصوص چنین حمله‌ای را که توجیه اولیه آنان در مورد دفاع مشروع پیشدستانه بود، ارائه کنند؛ دولت

1. <https://edition.cnn.com/videos/politics/2020/01/03/full-mike-pompeo-interview-on-iran-iraq-newday-vpx.cnn>

2. <https://www.youtube.com/watch?v=HNLqZ0BCyOE>

۳. در گزارش این نشست به نقل از یکی از این کارشناسان آمده است: «ما یک اقدام دفاعی انجام دادیم... سلیمانی در حال برنامه‌ریزی یک حمله قریب‌الوقوع علیه دیپلمات‌ها و نیروهای مسلح ما در عراق، لبنان، سوریه و منطقه بود». در همین نشست هنگامی که مجری از وی خواست در خصوص حمله قریب‌الوقوع و اطلاعات مربوط به آن با دقت بیشتری سخن بگوید تا اشتباهات سال ۲۰۰۳ (اشاره به ادعاهای واهی دفتر طرح‌های ویژه آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا (OPS)، مبنی بر وجود زرادخانه عظیم جنگ‌افزارهای شیمیایی، میکروبی و هسته‌ای در عراق) تکرار نشود، وی پاسخ داد: «به ما اعتماد کنید». اما در پاسخ این پرسش مجری که چرا باید اعتماد کنیم، پاسخی ارائه نکرد. - <https://2017.state.gov/senior-state-department-officials-on-the-situation-in-iraq/index.html>

4. Cohen, Zachary, "Skepticism Mounts over evidence of 'imminent' threat that Trump says justified Soleimani killing", January 6, 2020, at www.edition.cnn.com/middleeast/live-new/us-iran-soleimani-tenntions-intl-01-20/index.html. CNN, January 6, 2020

ایالات متحده پنج روز پس از حمله سوم ژانویه، در نامه هشتم ژانویه ۲۰۲۰ خود به شورای امنیت، توجیه دیگری را نه بر اساس دفاع مشروع در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع و قطعی، بلکه بر مبنای دفاع مشروع در برابر یک سری حملات مسلحانه رو به فزونی علیه نیروها و پایگاه‌های این کشور در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹ معرفی کرد.^۱ دولت آمریکا در این نامه مدعی شد:

«این اقدام در پاسخ به یک سری حملات مسلحانه فزاینده توسط جمهوری اسلامی ایران و شبه‌نظامیان تحت حمایت وی علیه نیروها و منافع ایالات متحده در منطقه خاورمیانه صورت گرفت. ... طی چند ماه گذشته ایالات متحده هدف یک سری تهدیدات و حملات مسلحانه شتاب‌گرفته توسط جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است ... اقدامات ایالات متحده در بستر حملات در حال تداوم جمهوری اسلامی ایران انجام شد ... شبه‌نظامیان مورد پشتیبانی نیروی قدس در یک سری از حملات علیه نیروهای ایالات متحده مشارکت داشتند».^۲

درحالی‌که اظهارات فراوانی از مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی آمریکا وجود دارد، که نشان می‌دهد قصد ترور سردار سلیمانی مدت‌ها پیش از ماه‌های پایانی ۲۰۱۹ وجود داشته و ترامپ قبلاً دستور ترور سردار سلیمانی را داده بود.^۳ با وجود این، از نظر حقوق بین‌الملل، موضع هر کشور بر اساس آنچه رسماً اعلام می‌کند، تعیین می‌شود؛ در این زمینه دیوان بین‌المللی دادگستری، در پرونده فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه مقرر کرده است: «پذیرفتنی نیست که یک دیدگاه حقوقی را به دولتی نسبت دهیم، که آن دولت آن را ارائه نکرده است» (ICJ Rep, 1986: Para. 266).

در همین مورد «ویلیام پر»^۴ دادستان کل آمریکا نیز اظهار کرد: «این اقدام، دفاع مشروعی بود که حمله‌های در حال انجام را متوقف کرده و بازدارندگی ایجاد کرد. حمله ما پاسخ به حملاتی بود که قبلاً صورت گرفته بود».^۵ این رویکرد جدید در توجیه حقوقی عملیات پهبادی علیه سردار سلیمانی و همراهانشان، عملاً توصیفی متفاوت و پردازش جدیدی از واقعیات روی داده^۶ بود. البته در این خصوص قبلاً نیز برخی مقامات آمریکایی از حملات تحت حمایت ایران علیه منافع آمریکا سخن گفته بودند. مارک اسپر وزیر دفاع آمریکا در دوم ژانویه ۲۰۲۰ مدعی «رشته حملات مستمر» ایران علیه پایگاه‌ها و

1. Letter dated 8 January 2020, Op. Cit.

2. Letter dated 8 January 2020, Op. Cit.

3. <https://www.nbcnews.com/politics/national-security/trump-authorized-soleimani-s-killing-7-months-ago-conditions-n1113271>

4. William Barr

5. Zachary Cohen, Barr and Pompeo shift justification for Iran strike from 'imminent' threat to deterrence, <https://edition.cnn.com/2020/01/13/politics/pompeo-barr-soleimani-strike-iran-rationale/index.html>

6. Facts

نیروهای آمریکایی در منطقه شده بود.^۱ وزارت امور خارجه آمریکا نیز در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ اعلام کرد که ایران «کارزاری»^۲ از حملات علیه این کشور را هدایت می‌کند.^۳ لکن دولت آمریکا ابتدا این ملاحظه را داشت که حملات پراکنده و جزئی، هم به لحاظ قابلیت انتساب به ایران و هم به لحاظ شدت و مقیاس، در حدی که مستحق دفاع مشروع زورمدارانه باشد، نیست و اقتناع حقوقی لازم برای حمله سوم ژانویه را ایجاد نمی‌کند. به همین سبب دولت آمریکا به جای دفاع مشروع در برابر حملات کم‌اهمیت و پراکنده مذکور، ابتدا مدعی یک حمله قریب‌الوقوع شد و مایک پمپئو در مصاحبه با فاکس نیز گفت:

«ما مطمئنیم که حملات قریب‌الوقوعی توسط سلیمانی برنامه‌ریزی شده بود، اما دقیقاً نمی‌دانستیم که کی و کجا این اتفاق رخ خواهد داد».^۴ این در حالی است که به لحاظ ماهیت، مهم‌ترین شاخص توجیه و پذیرش دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین‌الملل، وجود اطلاعات دقیق در خصوص حمله مسلحانه، علیه کشور دفاع‌کننده است؛ از این رو نبود شواهد و مدارک در این خصوص، راهبرد حقوقی آمریکا را به دفاع مشروع در برابر رشته‌ای از حملات که از قبل آغاز شده و ممکن است حلقه جدیدی به آن اضافه شود، تغییر داد. البته در این خصوص شایان تأکید است که به لحاظ حقوقی، پس از ارسال نامه رسمی هشتم ژانویه ۲۰۲۰ به شورای امنیت، قاعدتاً موضع دوم ایالات متحده (تغییر توجیه دفاع مشروع پیشدستانه، به دفاع مشروع در برابر حملات مستمر از پیش انجام‌گرفته)، به‌عنوان موضع رسمی این کشور محسوب می‌شود، از این رو به لحاظ حقوقی این توجیه مبنای بررسی حقوقی مواضع این کشور قرار می‌گیرد. با این حال نباید از یاد برد که در حقوق بین‌الملل، به موجب قاعده «استاپل» دولت‌ها از متناقض‌گویی یا به‌اصطلاح، انکار بعد از اقرار منع شده‌اند. استاپل دولت‌ها را موظف می‌کند که «نسبت به یک موقعیت واقعی یا حقوقی، رویکرد نامتناقضی داشته باشد» (MacGibbon, 1958: 459). دب.د در پرونده «معد پره ویهار»^۵ (کامبوج علیه تایلند) استدلال کرد که تایلند نمی‌تواند با حاکمیت کامبوج بر معد مخالفت کند، زیرا اقدامات قبلی دولت تایلند نشان می‌دهد که آنها تعلق مکانی و حقوقی معد به فرانسه [اکنون کامبوج] را پذیرفته بودند (ICJ Rep, 1962: 27).

اکنون این سؤال مطرح است که مدعی ثانی آمریکا در توجیه حمله سوم ژانویه، از لحاظ حقوق بین‌الملل توسل به زور، از وجاهت حقوقی برخوردار است؟ پاسخ به این پرسش خود مستلزم بررسی چهار شاخص ذیل است که در ادامه هر یک از موارد مذکور بررسی خواهد شد:

1. See: U.S. Department of Defense, Statement by U.S. Secretary of Defense Dr. Mark T. Esper as Prepared, <https://www.defense.gov/Newsroom/Releases/Release/Article/2049227/statement-by-secretary-of-defense-dr-mark-t-esper-as-prepared/>.
2. Campaign
3. U.S. Department of State, Senior State Department Officials on U.S. Airstrikes in Iraq and Syria, Special Briefing, Office of the Spokesperson, 30 December 2019
4. <https://www.foxnews.com/media/mike-pompeo-qassem-soleimani-strike-iran-trump>
5. Temple of Preah Vihear

- الف) حملات به پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی در عراق از لحاظ «گستره و شدت»، در حد آستانه موردنظر ماده ۵۱ منشور ملل متحد بوده است؟
- ب) این حملات قابل انتساب به ایران است؟
- ج) در زمان وقوع حمله سوم ژانویه، حمله مسلحانه به نیروها و یا پایگاه‌های آمریکایی در جریان بوده است؟
- د) چنان‌توسل به زوری برای دفاع مشروع ضروری و متناسب بوده است؟

۳. بررسی گستره و شدت حملات علیه پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی

به‌عنوان اولین معیار، دولت آمریکا باید اثبات کند که حملات مسلحانه ادعایی در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۹، که از آن تحت عنوان «رشته‌ای از حملات»، «کارزار علیه آمریکا» یا «حملات مستمر» در اسناد رسمی و اظهارات مقامات این کشور نام برده می‌شود^۱، به لحاظ شدت و مقیاس به آستانه موردنظر ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌رسند. مصداقاً، دولت آمریکا اعلام کرد طی نوامبر و دسامبر ۲۰۱۹ نیروهای کتائب حزب‌الله^۲ حداقل پنج بار به پایگاه‌های نیروهای آمریکایی حمله کرده‌اند. همچنین در یک حمله راکتی^۳ شبه‌نظامیان شیعه تحت حمایت ایران به پایگاه «التاجی» در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹، یک پیمانکار آمریکایی کشته و چهار نیروی در خدمت آمریکا مجروح شدند. در پاسخ به این حمله، آمریکا حمله هوایی علیه پایگاه حشدالشعبی در منطقه «البوکمال» استان الانبار در مرز با سوریه انجام داد که حداقل ۲۵ عضو آن کشته شدند. آمریکا سپس مدعی شد که محاصره سفارت آمریکا طی روزهای ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ و اول ژانویه ۲۰۲۰ توسط نیروهای کتائب حزب‌الله، در پاسخ به حملات هوایی آن کشور صورت گرفته است.^۴ در این خصوص صرف‌نظر از امکان انتساب این حملات به ایران، سؤال مهم آن است که از حیث

^۱. See: Iranian Strikes in Iraq, Fact Sheet, Office of the Spokesperson, 8 January 2020, <https://www.state.gov/iranian-strikes-in-iraq/>

^۲. کتائب حزب‌الله یک گروه شبه‌نظامی شیعه فعال در عراق و سوریه است که با حشدالشعبی نیز مرتبط است. آمریکا مدعی است که این گروه شبه‌نظامی تحت پشتیبانی و حمایت و هدایت ایران قرار داشته و فرمانده آن ابومهدی المهندس بوده است.

^۳. بنا به گفته سرهنگ مایلز کگینز سخنگوی ائتلاف بین‌المللی مستقر در عراق، ۱۵ راکت کاتیوشا به پایگاه التاجی محل استقرار نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا پرتاب شده است. <http://www.isalnews.ir/fa/news/8172> گفتنی است که کلاهک راکت کاتیوشا حاوی ۳۰ کیلوگرم مواد منفجره است.

https://en.wikipedia.org/wiki/Katyusha_rocket_launcher

^۴. See: U.S. Department of Defense, Statement by U.S. Secretary of Defense Dr. Mark T. Esper as Prepared, 2 January 2020, <https://www.defense.gov/Newsroom/Releases/Release/Article/2049227/statement-by-secretary-of-defense-dr-mark-t-esper-as-prepared/>. See also U.S. Department of State, On Attacks by Iran's Proxies in Iraq, Press Statement, Michael R. Pompeo, Secretary of State, 13 December 2019, <https://www.state.gov/on-attacks-by-irans-proxies-in-iraq/>; U.S. Department of State, Senior State Department Officials On U.S. Airstrikes in Iraq and Syria, Special Briefing, Office of the Spokesperson, 30 December 2019, <https://www.state.gov/senior->

معیارهای حقوق بین‌الملل، آیا چنین حملات ضعیف و پراکنده گروه‌های مردمی و شبه‌نظامی عراقی را که در مجموع به یک کشته و چند زخمی منجر شده است، می‌توان «حمله مسلحانه» قلمداد کرد؟ در این خصوص، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضایای «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶» (ICJ Rep, 1986: Para. 19) «سکوهای نفتی ۲۰۰۳» (ICJ Rep, 2003: Para. 51)، «فعالیت‌های نظامی در کنگو ۲۰۰۵» (ICJ Rep, 2005: Para. 147) و «نظر مشورتی ۱۹۹۶ مشروعیت سلاح‌های هسته‌ای»، ویژگی‌های دفاع مشروع موضوع ماده ۵۱ منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی را مورد توجه قرار داده و با تفکیک «حمله مسلحانه» به‌عنوان شدیدترین شکل توسل به زور، از اشکال ضعیف‌تر آن، دفاع مشروع را صرفاً در مقابل «حمله مسلحانه» مجاز دانسته است (ICJ Rep, 1996: Para. 42). به‌عبارت دیگر، دیوان با تفسیر مضیق از دفاع مشروع، بر آن است که دولت‌ها، درگیری‌های کوچک را بهانه آغاز جنگ‌های بزرگ نکنند، که البته این رویه دیوان، در پرتو اصول مهم «ممنوعیت توسل به زور» در روابط بین‌الملل^۱ و «استثنایی بودن دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل قابل درک است.^۲

بنابراین از نظر حقوق بین‌الملل، شدت و مقیاس حملاتی که مستلزم دفاع مشروع باشند، در بالاترین سطح توسل به زور، یعنی «حمله مسلحانه»^۳ قرار دارد؛ از این رو در متن فرانسوی ماده ۵۱ منشور، در توجیه آن از اصطلاح «حمله تجاوزکارانه»^۴ استفاده شده است و برخی صاحب‌نظران اعتقاد دارند این اصطلاح به مراد تدوین‌کنندگان منشور نزدیک‌تر است، زیرا «هر حمله‌ای، تجاوزکارانه نیست، اما هر تجاوزی خود نوعی حمله است» (ممتاز، ۱۳۸۶)، بنابراین، «حمله مسلحانه» از حیث شدت و مقیاس می‌باید با مصادیق عمل تجاوزکارانه در قطعنامه ۳۳۱۴ تعریف تجاوز، مصوب ۱۹۷۴ قابل مقایسه باشد.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی نیز با فرض انتساب آشکار حمله موشکی به تانکر «سی آیل سیتی»^۵ و مین‌گذاری دریایی منجر به برخورد ناو «یو اس اس ساموئل بی رابرتس»^۶ به ایران، این دو اقدام را فاقد شدت لازم دانسته و آن را «حمله مسلحانه» تلقی نکرده و آمریکا را برای توسل به دفاع مشروع محق ندانسته است (ICJ Rep, 2003: para. 64). همچنین کمیسیون دعاوی اریتره-اتیوپی، با وجود کشته شدن شماری از نیروهای گشتی و غیرنظامی دو طرف در درگیری‌های

state-department-officials-on-u-s-airstrikes-in-iraq-and-syria/.

۱. ماده (۴) ۲ منشور ملل متحد

۲. اگرچه برخی قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و برخی حقوقدانان در مورد نظر مشورتی دیوار حائل ۲۰۰۴ و رأی فعالیت‌های نظامی در کنگو ۲۰۰۵، رویکرد مضیق‌گرای دیوان را با تحولات جدید بین‌المللی، به‌خصوص گسترش کنش‌گری بازیگران غیردولتی و تروریسم، متناسب ندیدند و آن را مورد انتقاد قرار دادند (قاسمی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۰).

3. Armed Attack

4. Aggression Armée

5. Sea Isle City

6. USS Samuel B. Roberts

مکرر مرزی در ناحیه «بادمه»^۱ و اشغال موقت این منطقه توسط نیروهای اتیوپی، حملات موردنظر را «حمله مسلحانه» ندانست (Eritrea Ethiopia Claims Commission, 2005: Para. 11-12).

با توجه به مصادیق مذکور، حملات ماه‌های پایانی ۲۰۱۹ توسط گروه‌های شبه‌نظامی کتائب حزب‌الله، عصائب اهل الحق و...، که آمریکا مدعی است با حمایت ایران انجام شده است^۲، بر اساس معیار معیار ماده ۳ قطعنامه ۳۳۱۴ تعریف تجاوز، می‌باید به شدت اعمال مذکور در قطعنامه ۳۳۱۴ برسد. در همین خصوص، دیوان در رأی نیکاراگوئه خاطر نشان می‌کند که «اعمال نیروهای نامنظم در صورتی می‌تواند در حد و اندازه یک حمله مسلحانه باشد، که از شدت مشابه حمله مسلحانه توسط نیروهای منظم برخوردار باشد» (ICJ Rep, 1986: Para. 195). بر این اساس، هیچ فرد بی‌طرفی نمی‌تواند محاصره سفارت یا مجموعه حملاتی را که روی هم‌رفته سبب کشته شدن یک غیرنظامی شده است، «حمله مسلحانه» در مقیاس مورد تأیید رویه قضایی بین‌المللی قلمداد کند یا حتی آن را معادل حملاتی که در قضایای سکوه‌های نفتی، نیکاراگوئه و اریتره-اتیوپی به‌عنوان «حمله مسلحانه» تلقی نشده‌اند، اعلام کند. پس حملات مذکور قابل انطباق با مصادیق قطعنامه ۳۳۱۴ نیست و آنها را طبق معیارهای حقوق بین‌الملل، نمی‌توان «حمله مسلحانه» مستلزم دفاع مشروع تلقی کرد. از حیث آیین دادرسی نیز، با توجه به ممنوعیت توسل به زور و استثنا بودن دفاع مشروع، این امریکاست که باید اثبات کند حملات مورد ادعای وی طبق حقوق بین‌الملل، «حمله مسلحانه» محسوب می‌شوند (ICJ Rep, 2003: Para. 51).

در توجیه دفاع مشروع بودن اقدام ایالات متحده در برابر حملات گروه‌های شبه‌نظامی عراقی، حقوق‌دانانی مانند استفان تالمون^۳ استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه بن آلمان و میریام هایپرتز^۴، در مقاله‌ای با استناد به دکتربین «انباشت رویدادها»^۵، با اذعان به اینکه طبق حقوق بین‌الملل، حملات مورد اشاره دولت آمریکا، به لحاظ شدت و مقیاس به‌تنهایی نمی‌توانند یک «حمله مسلحانه» تلقی شوند، این ایده را مطرح کرده‌اند که مجموعه این حملات با هم را می‌توان یک «حمله مسلحانه» قلمداد کرد. تالمون و هایپرتز استدلال کرده‌اند:

1. Badme

2. <https://www.state.gov/on-attacks-by-irans-proxies-in-iraq/>

3. Stefan Talmon

4. Miriam Heipertz

۵. دکتربین «انباشت رویدادها» (Accumulation of Events) در فارسی «انباشت وقایع» و «تجمیع وقایع» نیز ترجمه شده است. بر اساس این دکتربین که به دکتربین سیخونک زدن (Needle Prick doctrine) هم معروف است، مجموعه‌ای از کنش‌ها و حمله‌های ضعیف و پراکنده را که هر یک به‌تنهایی یک حمله مسلحانه مطابق منظور ماده ۵۱ منشور ملل متحد محسوب نمی‌شوند، می‌توان در مجموع یک حمله مسلحانه مطابق ماده مذکور تلقی کرد، به‌نحوی که مقتضای دفاع مشروع مسلحانه باشد.

«با توجه به اینکه ایالات متحده همواره از حامیان دکترین انباشت رویدادها بوده و دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی نیکاراگوئه، امکان رسیدن مجموعه‌ای از حملات کوچک و پراکنده به آستانه یک حمله مسلحانه را مفتوح باقی گذاشته است، از این رو آمریکا می‌تواند برای توجیه حمله سوم ژانویه به این دکترین استناد کند» (Talmon & Heipertz, 2020: 7)

در این خصوص همان‌طور که تالمون و هایپرتز و سایر تمسک‌کنندگان به دکترین «انباشت رویدادها» معترف‌اند، اولاً دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در آرای سکوه‌های نفتی (ICJ Rep, 2003: Para. 64) و فعالیت‌های نظامی کنگو، (ICJ Rep, 2005: Para. 146). با وجود اشاره به دکترین «انباشت رویدادها»، آن را در این پرونده‌ها مصداق نیافته تلقی کرده است؛ ثانیاً در خصوص مجموعه‌ای از این نوع حملات نیز باید گفت، فهم و تفسیر حقوقی در حقوق بین‌الملل، اساساً در پرتو اصول و مبانی نظم و رویه حقوقی صورت می‌گیرد و حقوق بین‌الملل پس از منشور ملل متحد، به منظور جلوگیری از تشدید درگیری‌ها و بروز جنگ میان کشورها، سعی کرده است درگیری‌های کم‌اهمیت، مجوزی برای آغاز جنگ بزرگ و تمام‌عیار تلقی نشود و دفاع مشروع نسبت به اصل ممنوعیت توسل به زور، به‌عنوان یک وضعیت استثنایی در حقوق بین‌الملل حفظ شود؛ از این رو «حمله مسلحانه» به‌گونه‌ای محکم و بی‌خدشه می‌تواند دفاع مشروع با توسل به نیروی مسلح را اقتضا کند. بر این اساس، در ارزیابی امکان استناد آمریکا به دکترین «انباشت رویدادها» نیز اصولاً باید دید، دیوان بین‌المللی دادگستری در سایر قضایای مورد استناد دولت‌ها به این دکترین، چه مواجهه‌ای داشته و آیا شدت و مقیاس حملات مورد ادعای آمریکا در ماه‌های پایانی ۲۰۱۹، بیشتر یا لااقل در حد شدت و مقیاس حملات پرونده‌هایی که به این دکترین تمسک شده، بوده است؟

در این خصوص در پرونده سکوه‌های نفتی، در شرایطی که ایالات متحده برخورد ناو «یواس اس ساموئل بی رابرتس» با مین دریایی و حمله موشکی به سی‌آیل سیتی را «حمله مسلحانه» از جانب ایران تلقی می‌کرد (ICJ Rep, 2003: Paras. 62) و در مکاتبات رسمی با شورای امنیت ادعا کرده بود، حمله به کشتی «سی‌آیل سیتی» تنها آخرین حمله از مجموعه‌ای از حملات علیه کشتی‌های آمریکا و سایر کشورها در آب‌های کویت بوده است (قاسمی و بارین چهار بخش، ۱۳۹۰: ۱۸۰)، دیوان در بررسی خود این سؤال را مطرح کرد که «آیا حمله به کشتی سی‌آیل سیتی، جداگانه یا همراه با حملات مورد ادعایی دیگر، می‌تواند یک حمله مسلحانه به ایالات متحده محسوب شود و توجیه‌کننده دفاع مشروع باشد؟» (ICJ Rep, 2003: Paras. 62). در پاسخ به این پرسش دیوان مقرر کرد: «این وقایع حتی به‌صورت جمعی نمی‌تواند یک حمله مسلحانه به ایالات متحده آمریکا محسوب شوند» (ICJ Rep, 2003: Paras. 72).

حال در شرایطی که دیوان، حمله به ناو ساموئل بی رابرتس با موشک کرم ابریشم (یک موشک

چینی ضدکشتی با کلاهک ۴۵۰ کیلوگرمی^۱ را که موجب زخمی شدن ۱۸ نفر در تانکر سی آیل سیتی شد، در فرض منتسب بودن به ایران، حتی در ترکیب با مین گذاری دریایی و دیگر رویدادها، «حمله مسلحانه» تلقی نمی‌کند، جای این سؤال است که چگونه محاصره سفارت و یک سری خسارت‌های محدود به آن و چند حمله با کاتیوشا، آن هم با کلاهک ۳۰ کیلوگرمی، می‌تواند تحت دکترین «انباشت رویدادها»، «حمله مسلحانه» تلقی شود؟

در همین زمینه «کمیسون دعاوی اریتره-اتیوپی» اعلام کرده است: «زدوخوردهای مرزی محلی بین واحدهای کوچک پیاده‌نظام حتی در مواردی که کشته بر جای نهاده باشد، حمله مسلحانه به مفهوم به‌کاررفته در منشور محسوب نمی‌شود. از این رو کمیسیون قانع شد که زدوخوردهایی کوچک بین نیروهای گشتی دو کشور اریتره و اتیوپی بر سر منطقه «بادمه»، در طول یک مرز طولانی، نامشخص و مورد اختلاف در حدی نبوده است که حمله مسلحانه یک کشور علیه کشور دیگر به مفهوم ماده ۵۱ منشور ملل متحد تلقی شود» (Eritrea Ethiopia Claims Commission, 2005: Para. 11-12). حال در شرایطی که چنین مشخصاتی با شمار زیاد کشته^۲، از نظر کمیسیون، در سطح «حمله مسلحانه» محسوب نمی‌شود، چگونه ممکن است حملات مورد ادعای آمریکا که کل تلفات انسانی آن شامل یک غیرنظامی و مجروح شدن چهار نفر دیگر است، مصداق «حمله مسلحانه» محسوب شود؟ البته در اینجا هدف کم‌اهمیت جلوه دادن جان پیمانکار آمریکایی نیست، بلکه حقوق بین‌الملل اساساً به دنبال آن است که با حفظ وضع استثنایی دفاع مشروع نسبت به اصل ممنوعیت توسل به زور، مسیر تلفات گسترده‌تر انسانی را مسدود کند و در نتیجه شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلاف‌ها، جایگزین جنگ و خونریزی شود. بنابراین حملات مورد ادعای آمریکا نمی‌تواند مصداق «حمله مسلحانه» باشد.

موضوع دیگر آنکه، طبق آیین دادرسی حقوقی دیوان و دیگر محاکم، اساساً اثبات اینکه شدت و بار مجموعه‌ای از رویدادها به آستانه یک «حمله مسلحانه» مورد نظر در دکترین «انباشت رویدادها» رسیده است، بر عهده ایالات متحده است (Dinstein, 2017: 260)، از این رو دولت آمریکا در صورت استناد به دکترین «انباشت رویدادها» برای تلقی حملاتی که آنها را کارزار علیه خود می‌خواند، باید اثبات کند این حملات به لحاظ شدت و مقیاس به آستانه مورد نظر حقوق بین‌الملل که توسل به زور برای دفاع مشروع را ایجاب می‌کند، رسیده است.

نکته نهایی آنکه، اگرچه دکترین «انباشت رویدادها» در میان حقوقدانان طرفدارانی دارد و حتی گفته

1. [https://en.wikipedia.org/wiki/Silkworm_\(missile\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Silkworm_(missile))

۲. گفته می‌شود در جریان جنگ مرزی میان اریتره و اتیوپی از ماه مه ۱۹۹۸ تا ژوئن ۲۰۰۰ تقریباً هفتاد هزار نفر از هر دو طرف جان خود را در درگیری‌ها از دست دادند:

<https://www.theguardian.com/world/2012/mar/16/ethiopian-raid-eritrea-conflict>

می‌شود، توجه به آن موجب تکامل حقوق دفاع مشروع، به‌خصوص از حیث فعالیت‌های بازیگران غیردولتی می‌شود، اما در چارچوب حقوقی نظم و امنیت بین‌المللی همچنان جایگاهی ندارد. این نظریه اولین بار توسط اسرائیل مطرح و در مواقع مختلف، به‌خصوص علیه لبنان تکرار شده است (Alexandrov, 1996: 166). منتها «شورای امنیت ملل متحد این ادعای اسرائیل را تاکنون نپذیرفته است (Tams, 2009: 370). برخی حقوقدانان معتقدند «دکترین انباشت رویدادها اگرچه شکاف میان ماده (۴) ۲ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد را پر می‌کند، اما آثار جانبی جدی نیز در بردارد. این دکترین بُعد زمانی دفاع مشروع [فوریت] را از بین می‌برد و یک حق زمان‌دار را به یک مجوز نامحدود از نظر زمانی برای توسل به زور تبدیل می‌کند» (Tams, 2009: 389)، از این رو عدم تصدیق این دکترین در ساختار امنیت بین‌المللی را می‌توان در رهگذر امکان رخنه تمایلات خطرناک جنگ‌افروزانه و تلافی‌جویانه به آن درک کرد.^۲ هرچند که حتی با فرض پذیرش دکترین مذکور نیز، اندازه و شدت رویدادهای پایانی سال ۲۰۱۹ عراق، در حد وقایع و رویدادها و پرونده‌هایی که در آنها به این دکترین استناد شده و در عین حال رویه قضایی آن را نپذیرفته است، نیست.

۴. امکان انتساب حملات به ایران

صرف‌نظر از رد استدلال‌های ارائه‌شده دولت آمریکا در توجیه حمله سوم ژانویه به‌عنوان دفاع مشروعی در چارچوب دکترین «انباشت رویدادها»، دومین موضوع مرتبط با ارزیابی حقوقی حمله سوم ژانویه از دیدگاه «حقوق توسل به زور»، بررسی قابلیت انتساب حملات موردنظر ایالات متحده به ایران است، زیرا حملات موردنظر آمریکا، در هر حال علیه نیروها، پایگاه‌ها و منافع آن کشور اتفاق افتاده‌اند؛ هرچند که سطح آنها کمتر از «حمله مسلحانه» (تجاوز کارانه) است. در این خصوص دو سؤال مطرح است؛ اول آنکه بر اساس حقوق بین‌الملل، آیا این حملات را اصولاً می‌توان به ایران نسبت داد؟ ثانیاً در صورتی که این حملات قابل انتساب به ایران باشند، آیا ترور سردار سلیمانی بدان سبب می‌تواند موجه باشد؟ بررسی این موضوعات از آن لحاظ اهمیت دارد که حتی اگر این حملات از لحاظ شدت و مقیاس در حد «حمله مسلحانه» نیز محسوب نشوند، اما دولت آمریکا بدین سبب می‌تواند میزان وجاهت اخلاقی اقدام خود را ارتقا دهد و دست آخر آن را مقابله به مثلی از روی ناچاری معرفی کند.

دولت آمریکا و برخی متحدانش مدعی‌اند که ۱. کتائب حزب‌الله [بخشی از حشدالشعبی] مسئول حملاتی

۱. منظور آن است که دولت‌ها مجبور نیستند در مقابل حملات کم‌اهمیتی که به لحاظ شدت، حمله مسلحانه تلقی نمی‌شوند، صرفاً نظاره‌گر باشند (Alexandrov, 1996: 166).

۲. برای اطلاع بیشتر از دکترین انباشت رویدادها، ر.ک: احمدی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۳-۷۶.

است که این کشور در پاسخ به آنها حمله سوم ژانویه را انجام داده است؛^۲ کتاب حزب‌الله تحت آموزش، تأمین مالی، پشتیبانی لجستیک و رهنمودهای رهبر جمهوری اسلامی ایران بوده و تا پیش از حمله سوم ژانویه تحت مدیریت سردار قاسم سلیمانی قرار داشته است؛^۳ با اینکه کتاب حزب‌الله رسماً به بخشی از نیروهای نظامی عراق تبدیل شده‌اند، اما وفاداری آنها به ایران بیشتر از دولت قانونی عراق است.^۴

تالمون و هایپرتز نیز مدعی شده‌اند: «بر اساس معیار «کنترل مؤثر» دیوان بین‌المللی دادگستری، حزب‌الله اعمال کنترل مؤثر کند، از این رو اقدامات کتاب حزب‌الله علیه آمریکا در عراق، تنها به ایران قابل انتساب است. در این زمینه روابط نزدیک و وفاداری آشکار کتاب حزب‌الله به ایران و دیدارهای منظم آنها با قاسم سلیمانی، شواهدی هستند که نشان می‌دهد ایران از طریق نیروی قدس خود حملات کتاب حزب‌الله در عراق را برنامه‌ریزی کرده، دستور داده و کنترل کرده است» (Talmon & Heipertz, 2020: 9). این استدلال با دیدگاه‌های دولت آمریکا هماهنگ است. چنانکه اسپر وزیر دفاع آمریکا یک روز پیش از حمله سوم ژانویه گفته بود: «حمله‌های کتاب حزب‌الله علیه نیروهای ایالات متحده در عراق تحت بازیگردانی رژیم ایران و تنسيق سلیمانی بوده و کتاب حزب‌الله از ایران هدایت می‌شود».^۳ منتها استدلال‌های مذکور، بنا به شواهد و ادله ذیل، بی‌شک غیرقابل پذیرش و مردود است.

اول اینکه با وجود مکاتبات و اظهارات رسمی برخی مقامات آمریکایی در خصوص حملات «توسط ایران و یا با پشتیبانی ایران» علیه نیروها و پایگاه‌های آمریکایی در عراق، جمهوری اسلامی ایران طی ماه‌های پایانی ۲۰۱۹ هیچ حمله مستقیمی در این خصوص انجام نداده و هیچ‌گونه شواهدی در این زمینه وجود ندارد. دوم اینکه نیروی قدس سپاه پاسداران به دعوت رسمی دولت عراق و در قالب توافقنامه‌های قانونی به سازماندهی، آموزش، تجهیز و هدایت میدانی نیروهای دولتی و مردمی کشور عراق در مقابل تروریسم داعش پرداخته و همکاری تنگاتنگ این نیرو با نیروهای مردمی عراق، نقش کم‌نظیری در مبارزه با داعش در عراق داشته است.^۴ از این رو دولت و مجلس عراق همواره از همکاری نیروی قدس در مبارزه با

1. Crispin M.I. Smith and Jacques Singer-Emery, *Servants of Two Masters: The risk inherent in Iraq's Hasdh Al-Sha'abi legislation* (2020) 52 *New York University Journal of International Law and Politics* 167-229 at 203-4-See also Kata'ib Hezbollah, https://www.counterextremism.com/sites/default/files/threat_pdf/Kata%E2%80%99ib%20Hezbollah-01072020.pdf.

2. Ibid

3. See: U.S. Department of Defense, *Statement by U.S. Secretary of Defense Dr. Mark T. Esper as Prepared*, 2 January 2020

۴. عادل‌المهدی نخست‌وزیر عراق پس از حمله سوم ژانویه، سردار و ابومهدی‌المهندس را نشانه‌های پیروزی بر داعش خواند و این اقدام را تروریسم دولتی خواند و آن را به شدت محکوم کرد.

<https://www.mehrnews.com/news/5111171>

داعش تقدیر و تمجید کرده و بر نقش سازنده نیروی قدس در عراق و خارج نشدن آن از دامنه توافقات و حفظ منافع دولت و مردم عراق تأکید داشته‌اند.^۱

سوم اینکه در میان نیروهای نظامی و شبه‌نظامی عراق، حشدالشعبی نزدیک‌ترین روابط را با ایران دارد و علاوه بر شیعیان شامل گروه‌های سنی، مسیحی و یزیدی است که با هدف مبارزه با تروریسم داعشی گرد هم آمده‌اند و ماهیتی مردمی دارند. دولت آمریکا برای انتساب فعالیت این گروه‌ها به ایران نمی‌تواند از خواست مردم عراق - با ادیان، مذاهب و فرق مختلف - و دعوت رسمی دولت این کشور از جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با تروریسم و ناامنی چشم‌پوشی کرده و این گروه‌ها را مطیع سیاست‌های تهران معرفی کند. از این رو ارتباط نزدیک حشدالشعبی و نیروی قدس می‌باید در مواضع و منافع همسوی دولت ایران با دولت و مردم عراق در مقابله با تروریسم داعشی درک شود.

پس از بمباران پایگاه حشدالشعبی توسط هواپیماهای آمریکایی، محسن بهاروند دستیار وزیر امور خارجه ایران با احضار کاردار سوئیس در اول ژانویه ۲۰۲۰ از حافظ منافع آمریکا خواست که علاوه بر اعلام اعتراض ایران به آمریکا این پیام را به آنها برساند که «کشور عراق یک کشور مستقل است و مردم عراق نیز مردمی آزادی‌خواه، استقلال طلب و شرافتمندند. ارتش آمریکا بدون ارائه کوچک‌ترین شواهدی در خصوص مقصر بودن آنها حداقل ۲۵ نفر از جوانان ملت عراق را به شهادت رسانده و تعداد بی‌شماری را مجروح کرده است».^۲ این در حالی است که نه حشدالشعبی و نه کتائب حزب‌الله مسئولیت حملات مورد ادعای آمریکا را نپذیرفته بودند.^۳ عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر وقت عراق در مستندی که از شبکه خبری المیادین یک سال پس از حمله سوم ژانویه منتشر شد گفت:

«ترامپ شب تحویل سال میلادی گذشته حدود ساعت ۹ شب با من تماس گرفت و از پایان دادن حادثه حمله به سفارت آمریکا از ما تشکر کرد. بعد از من پرسید که حمله‌کنندگان عراقی بودند یا ایرانی؟ گفتم عراقی‌ها به اقدام هواپیماهای آمریکایی در بمباران گروه‌های مسلح در مرزهای مشترک با سوریه [منطقه بوکمال] معترض بودند».^۴

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز دخالت ایران در محاصره سفارت را رد کرد و خواستار توقف اتهام‌زنی آمریکا به دیگر کشورها شد.^۵ از این رو سخنگوی این وزارتخانه، ادعای آمریکا را توهین به مردم عراق دانست و افزود: «چگونه و بر پایه چه منطقی انتظار دارید ملت عراق در مقابل این همه جنایت سکوت پیشه کند؟!».^۶

1. <http://www.pana.ir/news/1126104L>; <https://www.isna.ir/news/99041511113>

2. <https://mfa.gov.ir/portal/newsview/570606>

3. <https://www.irna.ir/subject/83613103>

4. <https://www.mehrnews.com/news/5111171>

5. <https://www.mfa.ir/portal/newsview/570606>

6. <https://www.irna.ir/news/83615874>

سخنان عادل عبدالمهدی در خصوص محاصره سفارت ایالات متحده در بغداد، حداقل واجد سه وجه شایان توجه است: الف) دولت عراق در حفاظت و صیانت از اماکن دیپلماتیک، تعهدات بین‌المللی داشته و در صورت ورود خساراتی به یک سفارت، دولت میزبان فارغ از اینکه اقدام‌کننده چه کسی است، مسئولیت دارد؛ ب) محاصره‌کنندگان مردم و گروه‌های عراقی بوده و دولت عراق بدان معترف است. منتها اعتراض مردم عراق را باید در خشم ناشی از نقض حاکمیت کشورشان و کشتار مدافعان وطنشان توسط نظامیان آمریکا فهمید؛ ج) دولت ایالات متحده در بالاترین سطح (ریاست جمهوری) از هویت محاصره‌کنندگان مطلع بوده و انتساب محاصره سفارت به ایران فاقد حداقل منطق حقوقی است، از این رو اگر آمریکا مدعی نقض مصونیت سفارت خود است، نمی‌تواند با نادیده گرفتن خشم مردم عراق از کشتار رزمندگان عراقی، ایران را مقصر و مباشر آن بداند.

همچنین مصوبه مجلس عراق، پس از حمله سوم ژانویه، مبنی بر الزام خروج فوری نیروهای آمریکا از عراق^۲ به روشنی نشان می‌دهد حضور آمریکا در عراق نه تنها برای گروه‌های نظامی مردمی، بلکه برای نمایندگان مردم عراق و دولت این کشور نیز به واسطه نقض مکرر حاکمیت این کشور و کشتار نیروهای نظامی آن تحمل‌ناپذیر شده بود. مردم عراق از حق تعیین سرنوشت برخوردارند و نسبت به حضور نیروهای نظامی خارجی در کشورشان پس از خاتمه غائله داعش احساس خوبی ندارند.

از سوی دیگر، اماکن دیپلماتیک ایران در عراق نیز طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ بارها هدف حمله برخی نیروهای شبه‌نظامی تندرو قرار گرفتند و این گروه‌ها کنسولگری ایران در بصره، کربلا و نجف را به آتش کشیدند.^۳ آیا ایران می‌تواند به بهانه گرایش‌های سیاسی و یا حزبی حمله‌کنندگان، دست به ترور هدفمند مقامات ارشد نظامی آمریکا بزند؟ بی‌شک پاسخ منفی است. از این رو اگنس کالامارد در گزارش خود درباره ترور سردار سلیمانی اعلام کرد: «استفاده از نظریه یک بار اقدام به این معناست که همه سربازها در هر جای دنیا می‌توانند هدف مشروعی برای حمله باشند» (A/HRC/44/38, 2020: 15).

چهارم اینکه، حشدالشعبی در زمان وقوع حمله سوم ژانویه تحت فرماندهی نخست‌وزیر عراق قرار داشته و بخشی از ارتش رسمی عراق بوده است. بر این اساس انکار تسلط عراق بر نیروهای رسمی خود و توجیه انتساب حملات وارده به نیروهای آمریکایی به ایران ظرف چند ماه پایانی ۲۰۱۹، آن هم با استناد به معیار کنترل مؤثر، یک استدلال ضعیف، غیرقابل قبول و ابزار است. چنانچه دیوان بین‌المللی

۱. ماده ۲۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۱ حقوق دیپلماتیک مقرر کرده است: ۱. اماکن مأموریت مصونیت دارند ... ۲. دولت پذیرنده وظیفه خاص دارد کلیه تدابیر لازم را به منظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرد و آرامش و شئون آن متزلزل نگردد، اتخاذ نماید...

2. <https://www.bbc.com/persian/world-50984557>

3. <https://www.irna.ir/news/83572544>

دادگستری در قضیه نیکاراگوئه ۱۹۸۶ مقرر کرد: «آموزش، تجهیز، تأمین مالی و حمایت اطلاعاتی و عملیاتی دلیل کافی برای انتساب نیست» (ICJ Rep, 1986: Para. 115)، پس در خصوص هر عملیات باید ثابت شود که اگر اقدامی علیه نیروهای آمریکایی انجام گرفته است، با دستور جمهوری اسلامی ایران بوده و زمان و نحوه انجام آن را ایران مشخص کرده است. درحالی که نماینده ایران در سازمان ملل متحد در نامه‌ای به شورای امنیت هر دستور یا هدایت کتائب حزب‌الله در عراق را رد کرده است. از این رو بر اساس رویه دیوان، معیار کنترل مؤثر قابل استناد نیست.

پنجم اینکه، درحالی که دولت آمریکا و برخی حقوقدانان، مسئولیت حملات وارده به نیروها و پایگاه‌های آمریکایی را به کتائب حزب‌الله منتسب می‌کنند، در عین حال پایگاه حشدالشعبی در مرز عراق و سوریه بمباران می‌شود، از این رو به نظر می‌رسد چنین دوگانگی حداقل دارای دو هدف است: الف) از حیث سلبی، با توجه به اینکه حشدالشعبی بخشی از ارتش رسمی عراق محسوب می‌شود، دولت آمریکا خود را در مقابل دولت عراق قرار نمی‌دهد تا دچار گرفتاری‌های سیاسی و حقوقی آن نشود؛ ب) از حیث ایجابی با ذکر نام کتائب حزب‌الله، آنها را نیروهای نیابتی^۱ ایران معرفی و ایران را وارد ماجرا می‌کند. در این خصوص شایان تأکید است که به جز موضوع محاصره سفارت که حشدالشعبی، عصاب اهل‌الحق و کتائب حزب‌الله بی‌پرده و با حضور فرماندهان ارشد خود در آن مشارکت داشتند^۲، آمریکا تاکنون دلایل قابل قبولی برای انتساب حملات مورد ادعای خود به حشدالشعبی ارائه نکرده است. ضمن آنکه ائتلاف بین‌المللی نیز نشان داده است که مایل نیست در خلط اسامی گروه‌ها با آمریکا همراهی کند. چنانکه سرهنگ مایلز کگینز سخنگوی ائتلاف بین‌المللی در عراق در مصاحبه با خبرگزاری رسمی عراق «واع»، ضمن تأکید بر عبارت «ائتلاف الحشد»، اظهار کرده است: «ائتلاف بین‌المللی با حشدالشعبی در عملیات مشترک نظامی شراکتی پایه دارد»^۳.

ششم اینکه، حتی با فرض آنکه حملات علیه نیروها و پایگاه‌های آمریکایی توسط حشدالشعبی صورت گرفته باشد و نیز با فرض اینکه آن حملات جداگانه یا به صورت انباشته یک «حمله مسلحانه» محسوب شود، مسئولیت آن متوجه دولت عراق است نه دولتی که به آن کشور معاضدت نظامی و امنیتی می‌دهد، زیرا دولت و مجلس عراق این آزادی عمل را داشته‌اند که در هر زمان و به دنبال هر حمله و رویدادی که فرضاً انجام آن توسط حشدالشعبی تأیید شود، با این نیروها برخورد کرده و آنها را محاکمه و مجازات کنند. از این رو مسئولیت هر اقدام این گروه، متوجه دولت عراق است و حتی ایفای نقش مستشاری نیروی قدس برای این گروه، مسئولیت حملات را متوجه دولت ایران و سپاه قدس نمی‌کند. در نتیجه ترور سردار سلیمانی بدین سبب، محکوم و مردود است.

1. Proxies

2. <https://www.bbc.com/persian/world-50956650>

3. <https://khabarfarsi.com/u/87146665>

هفتم آنکه، ایالات متحده در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹ پایگاه حشدالشعبی در مرز سوریه و عراق را با ادعای دفاع مشروع در مقابل حملات این گروه بمباران کرد. در این مورد حتی اگر موضوع نقض توافقنامه ۲۰۰۸ آمریکا با عراق و نقض حاکمیت عراق را نیز کنار بگذاریم و از شاخص‌های ضرورت، تناسب و فوریت در مورد حمله مذکور نیز گذر کنیم و دفاع مشروع بودن آن را مطابق ادعای آمریکا بپذیریم، آنگاه تنها رویدادی که پس از حمله ۲۹ دسامبر آمریکا، باقی می‌ماند، محاصره سفارت است، که فرض می‌شود با دفاع مشروع آمریکا مواجه نشده است. از این رو صرف نظر از آنکه مقامات عراق به رئیس‌جمهور ایالات متحده اطمینان داده بودند که محاصره سفارت توسط عراقی‌ها و نه نیروهای ایران صورت گرفته است، قاعدتاً حمله سوم ژانویه تنها در مقابل صرف محاصره سفارت انجام شده و این رویداد به‌تنهایی نمی‌تواند توجیهی با استناد به تئوری انباشت رویدادها (یا رشته‌ای از حملات)، برای حمله سوم ژانویه باشد.

۵. ارزیابی حمله سوم ژانویه بر مبنای شرایط دفاع مشروع

حقوق بین‌الملل دفاع مشروع را مقید به فوریت، ضرورت و تناسب کرده است. در این بخش حمله سوم ژانویه از حیث شرایط مذکور ارزیابی می‌شود.

۵.۱. فوریت

همچنان که اشاره شد، قید فوریت یا در حال وقوع بودن یک «حمله مسلحانه» یک معیار «زمانی»^۱ است که عملاً از اقدامات تلافی‌جویانه و مقابله‌به‌مثل‌های زورمدارانه به بهانه دفاع مشروع جلوگیری می‌کند. به همین دلیل نیز دولت آمریکا از توجیه حمله سوم ژانویه به‌عنوان دفاع مشروع پیشدستانه عقب‌نشینی کرد و به دفاع مشروع در برابر یک سری حملات روی داده در گذشته متوسل شد و برخی حقوقدانان مدافع آن نیز توجیه حمله سوم ژانویه را بر دکترین «انباشت رویدادها» مبتنی کردند.

بر اساس این دکترین، معیار وقوع «حمله مسلحانه»، نه احتمال وقوع حوادث آینده، بلکه وقوع قطعی حوادث (حملات) گذشته است» (Jain, 2014: 62)، از این رو بر خلاف دفاع مشروع پیشدستانه، در اینجا نیازی نیست که حملاتی [رشته‌ای از حملات مستمر] قریب‌الوقوع باشند؛ بلکه همین که حمله مورد انتظار بعدی، بخشی از حملات پی‌درپی موجود باشد، کفایت می‌کند؛ منتها در شرایطی که حملات نه به‌صورت روزانه (منظم)، بلکه جداگانه (نامنظم) اتفاق می‌افتند، ارزیابی اینکه آیا یک سری از حملات ادامه می‌یابد، یا با آخرین حمله به پایان رسیده است، دشوار است» (Talmon & Heipertz, 2020: 10). از این رو مقامات آمریکا مصداق جدیدی برای دفاع مشروع خلق کرده‌اند که ضمن آنکه با ماده

1. Temporal

(۲۴) منشور ملل متحد و رویه قضایی بین‌المللی در تناقض است، در عین حال، حمله‌ای به قصد بازدارندگی بوده و نوعی توسل به زور علیه حمله‌ای که واقع نشده، است. در این خصوص ویلیام‌پر دادستان کل ایالات متحده در ۱۳ ژانویه ۲۰۲۰ گفت: «هنگامی که شما وضعیتی دارید که پیش از آن در حال دریافت حملاتی بوده‌اید و کارزاری از حملات مکرر به اهداف آمریکایی داشته‌اید، در این وضعیت، رک‌و‌پوست‌کننده بگویم، فکر نمی‌کنم نیازی باشد که زمان و مکان دقیق حمله بعدی را بدانید».^۱ همچنین پس از حملات ۲۹ دسامبر آمریکا علیه پایگاه حشدالشعبی، مارک اسپر وزیر دفاع ایالات متحده توضیح داد که این «حملات به منظور کاهش توانایی کتائب حزب‌الله برای راه‌اندازی حملات بیشتر به کارکنان آمریکایی بود».^۲ اما ترامپ توجیه حمله سوم ژانویه را از این هم غیرقابل قبول تر کرده و می‌گوید: «سلیمانی در حال برنامه‌ریزی حملات شوم و قریب‌الوقوعی علیه دیپلمات‌ها و نیروهای نظامی آمریکایی بود، اما ما در حین کار او را گرفتیم و کشتیم».^۳

ادعاهای مذکور در حالی است که بدون هیچ تردیدی، حقوق بین‌الملل اجازه به‌کارگیری زور برای پاسخ به حملاتی را که برای آینده برنامه‌ریزی شده‌اند، نمی‌دهد (O'Connell, 2020)، توضیح آنکه حتی در خصوص دکترین «انباشت رویدادها»، هرچند که رویکرد دیوان بین‌المللی دادگستری منتفی ندانستن امکان ارزیابی مجموعه‌ای از حمله‌های کم‌اهمیت به‌عنوان یک حمله مسلحانه است، اما این مطلب لزوماً به معنای پذیرفتن دکترین مذکور منطبق بر شرح و بسط موردنظر دولت‌ها و نظریه‌پردازان حامی آنها نیست. بر این اساس، حتی به فرض آنکه انباشتی از رویدادها بتواند «حمله مسلحانه» نیز قلمداد شود (که در موضوع مورد بحث پذیرفتنی نیست)، در عین حال بر اساس منطق حقوقی موجود، قید «فوریت و در جریان بودن» حمله مسلحانه اقتضا می‌کند، عملیات دفاعی در حین آخرین حلقه از حملات کوچک مورد ادعا و در واقع، به قصد متوقف کردن آخرین حمله کوچک و کم‌اهمیت موردنظر انجام گیرد. در غیر این صورت (انجام عملیات دفاعی پس از پایان حملات کوچک)، در حقیقت تمام سازوکارهای حقوق بین‌الملل، از جمله لزوم حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات موضوع ماده (۳) منشور ملل متحد، آمره بودن ممنوعیت توسل به زور موضوع ماده (۴) منشور و ضرورت درخواست ورود شورای امنیت به‌عنوان رکن سیاسی-امنیتی جامعه بین‌المللی نقض شده و عملیات ذی‌ربط، ماهیتی جز مقابله‌به‌مثل نخواهد یافت. الکساندروف می‌نویسد: «بسیار مشکل است که بتوان میان دکترین «انباشت

1. Philip Rucker, John Hudson, Shane Harris and Josh Dawsey, "Four embassies": The anatomy of Trump's unfounded claim about Iran, 14 January 2020, <https://www.inquirer.com/politics/nation/four-embassies-trump-iran-soleimani-20200114.html>.
2. See: U.S. Department of Defense, Statement by U.S. Secretary of Defense Dr. Mark T. Esper as Prepared, 2 January 2020
3. <https://www.nytimes.com/2020/01/03/world/middleeast/trump-iran-iraq.html>

رویدادها» و «مقابله به مثل»^۱ تفکیک قائل شویم، زیرا که هدف توسل به زور در مقوله «انباشت رویدادها»، مجازات طرفی است که به دفعات به زور متوسل شده است، به این منظور که از توسل به زور در آینده باز داشته شود» (Alexandrov, 1996: 166).

با توجه به توضیح مذکور، اشکال مهمی که برخی حقوقدانان در خصوص دکترین «انباشت رویدادها»، بدان اشاره کرده‌اند، سوءاستفاده‌پذیری بالای این دکترین است (Ruys, 2010). به عبارت دیگر، با توجه به هدف غایی نظم بین‌المللی در دوران پسا منشور، که معطوف به خاتمه دادن جنگ و جلوگیری از مقابله به مثل‌های تجاوزکارانه است، این نظریه با این ابهام جدی مواجه است که چگونه می‌توان میان دفاع مشروع که طبق نظر «کمیسیون حقوق بین‌الملل»، هدف آن دفاع است، با مقابله به مثل‌های مسلحانه که هدف آن همواره تنبیه است، خطی ترسیم کرده و آنها را تفکیک کرد؟ چرا که توسل به زور، در مقابل مجموعه‌ای از رویدادها، گاه یک مقابله به مثل تلقی می‌شود نه دفاع مشروع (Alexandrov, 1996: 166).

مبنتی بر مطالب مذکور شایان توجه است که در استدلال «تالمون و هایپرتز» برای توجیه حمله سوم ژانویه با تمسک به دکترین انباشت رویدادها، محاصره سفارت بغداد یک حمله معرفی شده است، تا با توجه به حمله ۲۹ دسامبر آمریکا به پایگاه حشدالشعبی، «رشته‌ای از حملات گذشته» در مورد حمله سوم ژانویه قابل استناد باشد، زیرا بین دو حمله مذکور، غیر از محاصره سفارت این کشور توسط مردم عراق در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹، اتفاق دیگری رخ نداده است تا به عنوان بخشی از یک سری حملات به آن اشاره شود. از طرفی، محاصره سفارت یک حمله آبی موشکی، راکتی یا انتحاری نبوده و دو روز به طول انجامیده است. بدین لحاظ در صورتی که دولت آمریکا این واقعه را «حمله مسلحانه» یا بخشی از یک سری حملات قلمداد می‌کرده است، در همان زمان فرصت کافی برای اقدام دفاعی را داشته است. از این رو اکنون چگونه می‌توان پذیرفت که دولت آمریکا محاصره دوروزه سفارت خود را یک حمله دانسته، اما در مقابل آن اقدامی صورت ندهد؛ ولی چند روز بعد، یک مقام عالی نظامی یک کشور خارجی را در حین یک مأموریت دیپلماتیک، با این ادعا که حمله به سفارتش را او برنامه‌ریزی کرده است، مورد حمله موشکی قرار دهد؟! نتیجه آنکه، حتی اگر اصل موضوع مانحن‌فیه را مصداق دکترین انباشت رویدادها بدانیم (که در واقع چنین نیست)، آنگاه به علت فقدان رابطه زمانی میان حمله (محاصره سفارت) و دفاع مورد ادعا (حمله سوم ژانویه)، عملیات دفاعی ادعایی، ماهیت مقابله به مثل می‌یابد و با توجه به عدم قابلیت انتساب این حملات، به خصوص محاصره سفارت به ایران و سردار سلیمانی، حمله مذکور،

به صورت واضحی از ترور سیاسی جلوه گر می شود.^۱

۲.۵. ضرورت

«اصل ضرورت» اقتضا دارد که در اعمال دفاع مشروع، جایگزین و ابزار مؤثرتری نسبت به توسل به زور وجود نداشته باشد» (Gray, 2018: 159). با توجه به این مطلب، اگرچه ادعای دفاع مشروع در خصوص حمله سوم ژانویه، به دلیل نقض سه معیار پیشین، یعنی «گستره و شدت حمله»، «انتساب حمله به ایران» و «همزمانی اقدام و جریان حمله» منتفی بوده و در نتیجه، حمله مذکور را جز یک اقدام جنایتکارانه و ترور سیاسی جلوه نمی دهد، اما صرف نظر از موارد مذکور، در حمله آمریکا، شاخص های ضرورت و تناسب نیز رعایت نشده است. در این مورد دولت آمریکا اعلام کرده است، برنامه ریزی و هدایت حملات راکتی و حمله به سفارت آن کشور در بغداد توسط سردار سلیمانی انجام شده است.^۲ تالمون و هایپرتز نیز استدلال کرده اند: «اگر سردار سلیمانی مغز متفکر حمله های اخیر به نیروهای آمریکایی در عراق بوده و وی در حال برنامه ریزی حمله های بیشتر علیه نیروها و پایگاه های آمریکا در عراق و منطقه باشد، کشتن او طی یک حمله دقیق، اقدامی دفاعی ضروری و متناسب، برای توقف سلسله حملات ایران و یا شبه نظامیان تحت حمایت آن محسوب می شود» (Talmon & Heipertz, 2020: 11).

در این مورد نیز حتی با فرض نادیده انگاشتن تمامی توضیحات ارائه شده، و احتساب محاصره سفارت به عنوان آخرین حلقه از یک سری حملات، باز هم دولت آمریکا نمی تواند حمله سوم ژانویه را «ضروری» تلقی کند، چراکه محاصره دوروزه سفارت این کشور، فرصت انواع اقدامات تأمینی برای کارکنان آن کشور و نیز علیه محاصره کنندگان را فراهم می کرده است؛ از این رو هیچ منطقی عدم اقدام آمریکا در مدت مذکور و سپس حمله سه روز بعد به شخصی را که بر اساس کنوانسیون ۱۹۷۳ مورد حمایت بین المللی بوده است^۳، توجیه نمی کند. از طرفی «حتی در فرض مشارکت سردار سلیمانی در چنان حملاتی، نقش فردی در جایگاه وی، راهبردی و هدایتی است. درحالی که دفاع مشروع می باید برای متوقف کردن حمله عناصر عملیاتی (تجهیزات و نیروها) صورت گیرد» (Milanovic, 2020).

۱. پروفیسور ماری ال اوکنل استاد دانشگاه نوتردام آمریکا و پروفیسور گری سولیس قاضی نظامی و استاد حقوق مخصصات مسلحانه دانشکده حقوق دانشگاه جرج واشنگتن حمله سوم ژانویه را قتل و ترور ارزیابی کردند. ر.ک:

<https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/>; & <https://www.npr.org/2020/01/04/793412105/was-it-legal-for-the-u-s-to-kill-a-top-iranian-military-leader>

2. The White House, Remarks by President Trump on the Killing of Qasem Soleimani, 3 January 2020

۳. به موجب کنوانسیون ۱۹۷۳ نیویورک در خصوص پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص حمایت شده بین المللی، اشخاصی که نماینده کشور خود در کشورها دیگر محسوب می شوند، مورد حمایت بین المللی هستند.

۵.۳. تناسب

«اصل تناسب» به دامنه، مقیاس و هدف پاسخ مربوط می‌شود» (Gray, 2018: 159). «اصل ضرورت» ایجاب می‌کند دفاع مشروع در عین حفظ امنیت دولت مورد حمله، اقدامی «متناسب» باشد، یعنی عملیات دفاعی باید به دفع حمله اکتفا کند و خود تجاوز دیگری را در برنگیرد (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۳۸). این مطلب را محکوم کردن‌های پرشمار شورای امنیت، در مورد مصادیق توسل به زورهای پیشگیرانه، نیز تأیید می‌کند. بر همین مبنا، مقابله به مثل را نمی‌توان توسل قانونی به زور و دفاع مشروع قلمداد کرد (Alexandrov, 1996: 167). همچنان که اعلامیه روابط دوستانه میان دولت‌ها مصوب ۱۹۷۰ مجمع عمومی ملل متحد اعلام کرده است: «دولت‌ها وظیفه دارند که از مقابله به مثل‌هایی که شامل توسل به زور می‌شود، خودداری کنند» (GA/Res. 2625, 1970). بر همین اساس، حمله موشکی به یک کاروان خودرویی که بدون محافظت‌های نظامی و بنا به مقاصد دیپلماتیک در حرکت است، هیچ تناسبی با دفاع از سفارت نداشته و در واقع «اصل تناسب» در آن رعایت نشده است.

۶. نتیجه

موضوع مهمی که بدو به عنوان مبنای اساسی در ارزیابی توجیه رسمی دولت آمریکا درباره حمله سوم ژانویه ۲۰۲۰ برای ترور سردار شهید قاسم سلیمانی باید بر آن تأکید شود، تغییر توجیه حقوقی این اقدام از «دفاع مشروع پیشدستانه» در برابر یک «حمله قریب‌الوقوع»، به دفاع مشروع در برابر «رشته‌ای از حملات گذشته» است. دولت ایالات متحده زمانی مبادرت به تغییر توجیه حقوقی خود کرد که از ارائه شواهد و مستندات قابل قبول و متقن در زمینه هرگونه حمله قریب‌الوقوع و حتمی علیه نیروها و منافع آن کشور، که سردار سلیمانی در آن نقش داشته است، ناکام ماند. از این رو هرگونه ادعای جدیدی که در نتیجه ناتوانی در اثبات ادعای اولیه مطرح شود، به موجب مبانی مسلم اولیه حقوقی و به خصوص قاعده استاپل، اساساً فاقد وجاهت حقوقی و محکوم به بطلان به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، صرف نظر از آنکه رویدادها و حملات مورد ادعای ایالات متحده، در توجیه حقوقی حمله سوم ژانویه ۲۰۲۰، اساساً قابل انتساب به جمهوری اسلامی ایران نیست و گذشته از آنکه حتی اگر این حملات قابل انتساب به حشدالشعبی نیز باشند، مسئولیت آن، به خصوص محاصره سفارت به دولت عراق بازمی‌گردد؛ و نیز با اغماض از این موضوع که حتی با فرض انتساب این حملات به ایران، مسئولیت حملات در هر حال، با دولت ایران بوده و ترور سردار سلیمانی به سبب حقوق بشردوستانه بین‌المللی، توجیه‌ناپذیر است و می‌تواند نوعی کشتن خائنانه و ترور سیاسی محسوب شود، توجیهات حقوقی این حمله توسط دولت ایالات متحده و حقوقدانان حامی آن، به دلایل دیگری که در ذیل به آنها اشاره می‌شود، مردود است؛

الف) توجیه دوم حمله سوم ژانویه، یعنی اقدام به دفاع مشروع در برابر «یک سری حملات» ضعیف و پراکنده با استناد به دکتین «انباشت رویدادها» برای مشروعیت بخشی این اقدام نمی تواند ردای قانونی به خود بپوشد، چراکه رویدادهای مورد ادعای آمریکا به لحاظ شدت و مقیاس، حتی از پرونده‌هایی که در آنها به «دکترین انباشت رویدادها استناد شده»، اما در «مرحله رسیدگی‌های قضایی توسط مراجع قضایی بین‌المللی پذیرفته نشده است»، «کمتر» است.

ب) حمله سوم ژانویه ۲۰۲۰، عملاً چهار روز پس از محاصره دوروزه سفارت آمریکا در بغداد (۲۹ دسامبر) انجام شده است. از طرفی دولت آمریکا در ۲۷ دسامبر ۲۰۱۹ پایگاه حشدالشعبی را بمباران کرده است؛ بر این اساس، حمله سوم ژانویه تنها در برابر حادثه سفارت انجام شده است. از این رو استناد به انباشتی از رویدادها در توجیه حمله سوم ژانویه از اساس مردود است، زیرا همه رویدادهای پیش از حمله سفارت با اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا مواجه شده و دیگر انباشتی از رویدادها که در مجموع مستلزم عملیات دفاعی باشند، وجود نداشته است.

ج) حمله سوم ژانویه با الزامات حقوقی دفاع مشروع، یعنی فوریت، ضرورت و تناسب، آنچنان که منشور ملل متحد، حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی بین‌المللی بر آن تأکید دارند نیز همخوانی ندارد، زیرا اولاً حادثه سفارت حداقل دو روز در جریان بوده و فرصت کافی برای دفاع در برابر آن، حتی بدون استفاده از سلاح کشنده وجود داشته است؛ ثانیاً حمله آمریکا بر اساس شاخصه‌های فوریت می‌بایست بلافاصله پس از آخرین حلقه از سلسله حملات مستمر یا در آستانه آغاز به آن انجام می‌شده است. در حالی که چهار روز پس از آن انجام شده و در این بازه زمانی، مجال کافی برای ارجاع وضعیت به شورای امنیت و اجرای سایر سازوکارهای مسالمت‌آمیز حل اختلافات وجود داشته است؛ ثالثاً ترور مقام ارشد نظامی کشور ثالث که با اهداف دیپلماتیک وارد کشور محل سفارت شده است، در هیچ شرایطی با دفاع از سفارت تناسب ندارد؛ رابعاً شدت و مقیاس موضوع محاصره سفارت، حتی با تجمیع آن با رویدادهای پیشین نیز همسطح یک حمله مسلحانه با معیار شدت موردنظر حقوق بین‌المللی محسوب نمی‌شود.

با توجه به توضیحات مذکور، مشروعیت هر دو توجیه آمریکا در خصوص حمله سوم ژانویه، به‌ویژه توجیه دوم که موضوع نامه ۸ ژانویه ۲۰۲۰ این کشور به شورای امنیت ملل متحد بوده است، با تردید جدی مواجه بوده و اساساً اقدام آمریکا، تفسیری جز عمل تلافی‌جویانه ناموجه ندارد و بدین لحاظ اصولاً این حمله نقض بسیاری از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل قراردادی و عرفی تلقی می‌شود.

دولت آمریکا همچنین نمی‌تواند توأمان از منطق دفاع مشروع در برابر حمله قریب‌الوقوع به‌عنوان یک توجیه داخلی و همزمان از توجیه دفاع در برابر رشته‌ای از حملات گذشته، در حقوق بین‌الملل استفاده کند، چراکه استناد به حملات پایان‌یافته قبلی به‌عنوان مبنای قانونی حمله دفاعی، پذیرش تلویحی عدم وجود حمله قریب‌الوقوع حین حمله دفاعی را در پی دارد. ضمن آنکه حمله قریب‌الوقوع، حمله‌ای است که

با شواهد و مستندات عینی، وقوع یا آغاز وقوع آن اثبات‌شده باشد. از این رو چنین حمله‌ای از اساس با حمله‌ای که نمی‌دانیم کی و کجا اتفاق می‌افتد، تفاوت دارد.

نتیجه آنکه، اولاً توجیه اولیه ایالات متحده مبنی بر دفاع مشروع در مقابل حمله‌ای قریب‌الوقوع در بدو امر به دلیل فقدان استنادات و شواهد لازم، توسط قاطبه حقوقدانان جهان مردود و غیرقانونی تلقی شده و ناموجه بودن آن در آثار دقیق، منصفانه و عالمانه آنان در تاریخ به ثبت رسیده است؛ ثانیاً توجیه ثانویه آمریکا مبنی بر دفاع مشروع در برابر رشته‌ای از حملات گذشته و تمسک به دکترین انباشت رویدادها نیز مطابق استدلال‌های صورت‌گرفته در این پژوهش، در ترازوی حقوق بین‌الملل مردود به نظر می‌رسد. از این رو توجیهات متعارض دولت آمریکا از حمله سوم ژانویه، هم به «لحاظ پردازش وقایع میدانی» هم به «لحاظ وجاهت و مشروعیت حقوقی»، «دلالت بر انکای دولت آمریکا به روایت‌های غیرواقع و استنادات ناموجه» برای «توجیه اقدامات تروریستی» خود دارد و به همین دلیل نمی‌تواند به شستن روی سیاه این اقدام تروریستی کمکی کند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب

۱. فلک، دیتز (۱۳۹۱). *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*. ترجمه و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران: شهر دانش.

ب) مقالات

۲. قاسمی، علی؛ بارین چهاربخش، ویکتور (۱۳۹۰). رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دفاع مشروع پس از رویداد یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۵)، ۱۷۵-۱۹۴.

۳. ممتاز، جمشید؛ صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۱). تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور. *فصلنامه راهبرد*، ۶۳(۶۳)، تابستان، ۱۷۵-۲۰۴.

ج) وبگاه

۴. ممتاز، جمشید (۱۳۸۶). «دفاع مشروع در رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری» سخنرانی در مرکز ایرانی مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران نهم مهرماه هزار سیصد و هشتادوشش. برگرفته از لینک:

<http://internationallawof.blogfa.com/post/369>

۲. انگلیسی**A) Books**

1. Alexandrov, S. A. (1996). *Self-defense against the use of force in international law*, Kluwer law international, Hague.
2. Cassese, A. (2005). *International Law*. 2nd edn, Oxford University Press.
3. Dinstein, Y. (2017). *War, Aggression and Self-Defence*. 6th edn, Cambridge University Press.
4. Gray, C. (2018). *International Law and the Use of Force*. Oxford University Press.
5. Ruys, T. (2010). *'Armed Attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in Customary Law and Practice*, Cambridge University Press.
6. *Yearbook of International Law Commission*, 1980, Vol. I.

B) Articles

7. Jain, A. G. (2014). Rationalising International Law Rules on Self-Defence: The Pin-Prick Doctrine. *Chicago-Kent Journal of International and Comparative Law*, Vol. XII, (2), 23-70
8. MacGibbon, I. (1958). Estoppel in International Law. *7 International and Comparative Law Quarterly*, 458-468.
9. Smith, C., Singer-Emery, J. (2019). Servants of Two Masters: The Risks Inherent in Iraq's Hashd al-Sha'abi Legislation. *New York University Journal of International Law and Politics*, 167-229.
10. Talmon, S., & Heipertz, M. (2020). The U.S. killing of Iranian General Qasem Soleimani: of wrong trees and red herrings, and why the killing may be lawful after all. *German Practice in International Law*, Bonn Research Papers on International Law Paper No. 18/2020,
11. Tams, C. J. (2009). The Use of Force against Terrorists. *European Journal of International Law*, 20(2), 359-397.

C) Documents

12. The United Nations General Assembly Resolution 2625, "The Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States" was adopted by the General Assembly on 24 October 1970
13. Letter dated 8 January 2020 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the President of the Security Council, UN Doc S/2020/20, 9 January 2020.
14. Human Rights Council, Forty Fourth Session, 29 June 2020, A/HRC/44/38

D) Sites

15. Cohen, Z. (2020). "Barr and Pompeo shift justification for Iran strike from 'imminent' threat to deterrence", <https://edition.cnn.com/2020/01/13/politics/pompeo-barr-soleimani-strike-iran-rationale/index.html>
16. Iranian Strikes in Iraq, Fact Sheet, Office of the Spokesperson, 8 January 2020, <https://www.state.gov/iranian-strikes-in-iraq/>.
17. Milanovic, M. (2020). The Soleimani Strike and Self-Defence against an Imminent Armed Attack. *European journal of international law blog*, link:

<https://www.ejiltalk.org/the-soleimani-strike-and-self-defence-against-an-imminent-armed-attack/>

18. O'Connell, M. E. (2020). The Killing of Soleimani and International Law. *European journal of international law blog*, link: <https://www.ejiltalk.org/the-killing-of-soleimani-and-international-law/>
19. Rucker, P., Hudson, J., Harris, S. & Dawsey, J. (2020). "Four embassies": The anatomy of Trump's unfounded claim about Iran, 14 January 2020, <https://www.inquirer.com/politics/nation/four-embassies-trump-iran-soleimani-20200114.html>

E) Case law

20. Advisory Opinion on the Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, 9 July 2004, ICJ Reports 2004.
21. Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 8 July 1996, ICJ Reports 1996.
22. Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Bosnian and Herzegovina v Serbia and Montenegro), Judgment, ICJ Reports 2007
23. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of Congo v Uganda), Judgment, ICJ Reports 2005.
24. Eritrea Ethiopia Claims Commission partial Award: "Jus Ad Bellum", Ethiopia's claims 1 -8, 19 December 2005, (2006), 45 International Legal Materials.
25. Fleck, D. (2008). *The Handbook of International Humanitarian Law*, 2nd ed. Edited by Dieter Fleck. Oxford; New York: Oxford University Press.
26. Ghasemi, A., barin Chaharbakh, V. (2012). Self-defense in the Post - 9/11: An Examination of the Jurisprudence of the ICJ, *International Law Review*, 28(45), 175-194. Doi: 10.22066/cilamag.2011.16951
27. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v United States of America), Merits, Judgment, ICJ Reports 1986.
28. Momtaz, J., Saberi Niavarani, B. (2012). Impact of Subsequent Practice of States on the Principle of "Prohibition of Use of Force and Threat", 21(2), Serial Number 63, September 2012 Dor: 20.1001.1.10283102.1391.21.2.6.0
29. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v United States of America), Judgment, ICJ Reports 2003.
30. Temple of Preah Vihear (Cambodia vs. Thailand), Judgment, ICJ Reports 1962.

References In Persian:

31. Fleck, Dieter (2008) *The Handbook of International Humanitarian Law*, 2nd ed. Edited by Dieter Fleck. Oxford; New York: Oxford University Press.
32. Ghasemi, Ali, barin Chaharbakh, Victor (2012), Self-defense in the Post - 9/11: An Examination of the Jurisprudence of the ICJ, *International Law Review*, Volume 28, Issue 45, Pp. 175-194. Doi: [10.22066/cilamag.2011.16951](https://doi.org/10.22066/cilamag.2011.16951)
33. Momtaz, Jamshid, Saberi Niavarani, Behzad (2012), Impact of Subsequent Practice of States on the Principle of “Prohibition of Use of Force and Threat”, Volume 21, Issue 2, Serial Number 63, September 2012 Dor: [20.1001.1.10283102.1391.21.2.6.0](https://doi.org/20.1001.1.10283102.1391.21.2.6.0)